

چرایی بلاها و آثار آن از منظر قرآن و روایات شیعه و اهل سنت

منصوره غلامی^۱

چکیده

بدون شک انسان در زندگی دنیوی خودش، در محاصره کامل حوادث دردناک که مخالف طبع او می‌باشد، قرار دارد. انتظار و توقع این که آدمی همیشه در آرامش و آسایش بوده و از حوادث آن، در امان باشد، اشتباه است. خداوند در آیه چهارم سوره بلد بیان می‌فرماید که ما انسان در سختی آفریدیم. بر اساس آموزه‌های قرآنی، ریشه مصائب را می‌بایست در دو امر بلاء و ابتلاء جست و جو کرد. به این معنا که برخی از این مصیبت‌ها، بازتابی از بدی‌ها و گناهان ماست، و برخی دیگر ریشه در امتحان و آزمون الهی دارد تا انسان در این مشکلات و مصیبت‌ها استعدادها و توانایی‌های خویش را آشکار کند و اسمای الهی را در خود فعلیت بخشد. این تحقیق نزول، بلاها و آثار آن را از منظر قرآن و روایات مورد بررسی قرار داده است. چرا انسان‌ها مبتلا به بلایا می‌شوند؟ علت بروز بلایا چیست؟ آثار بلایا بر انسان‌ها چیست؟ در تفسیر برخی آیات، به تفاسیر روایی شیعه و اهل سنت مراجعه شده است که در بیشتر موارد مشابهت‌هایی بین آن‌ها مشاهده می‌شود. اجمالاً به این نتیجه دست یافته که: بلای یکی از سنت‌های الهی است که متکی بر سنت هدایت عامه الهی بوده و در مورد همه انسان‌ها در هر مکان و هر زمانی جاری است و باعث ثبات عزم و اراده و قوت رأی می‌گردد و موجب می‌شود انسان هنگام رسیدن به حوادث غیرمترقبه و بلایای طبیعی متزلزل نشود و با صبر و اراده قوی قدم بردارد. **واژگان کلیدی:** بلا، ابتلا، آثار بلا و ابتلا، قرآن، روایات.

۱. سطح چهار (دکتری)، رشته تفسیر تطبیقی، استاد سطوح عالی حوزه، نویسنده مسؤول.

مقدمه

زندگی دنیا عجیب شده با سختی‌ها و بلاهاست و انتظار آسایش و آرامش و مصون ماندن از هرناهمواری و سختی، خواسته‌ای نادرست است. همان گونه که حضرت علی علیه السلام فرمود: «دنیا سرایی است که بلاها آن را احاطه کرده است و به بی‌وفایی و مکر معروف است، حالاتش یکنواخت نمی‌ماند و ساکنانش ایمن نیستند. امنیت و آسایش در آن غیرممکن است و اهل آن همواره هدف تیرهای بلا هستند که پی در پی به سوی آنان پرتاب می‌شود و با مرگ نابودشان می‌سازد». (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶ و فراز ۱ و ۲، با اندکی تلخیص). آن‌گاه که نوع نگاه ما به زندگی، متوجه این حقیقت گردید که «دنیا مزرعه سُرور و بدی‌ها» و «معدن تلخی‌ها و ناکامی‌ها» است، بی‌تردید هرگونه چشم‌داشتی برای زندگی بی‌پایان، وصال بی‌هجران و رفاه و راحتی بی‌فرجام، با واقعیت هستی سازگار نخواهد بود و چون آب در هاون کوبیدن است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد / ۴)؛

یعنی ما انسان را در رنج آفریدیم.

بدون تردید انسان از آغاز زندگی حتی از آن لحظه‌ای که نطفه او در قرارگاه رحم واقع می‌شود، مراحل زیادی از مشکلات و درد و رنج‌ها را طی می‌کند تا متولد شود، و بعد از تولد در دوران طفولیت، و سپس جوانی، و از همه مشکل‌تر دوران پیری، با انواع مشقت‌ها و رنج‌ها روبرو است، و این است طبیعت زندگی دنیا، و انتظار غیر آن داشتن اشتباه است. نگاهی به زندگی انبیاء و اولیاء الله نیز نشان می‌دهد که زندگی این گل‌های سرسبد آفرینش نیز با انواع ناملازمات و درد و رنج‌ها، قرین بوده است. هنگامی که دنیا برای آن‌ها چنین باشد، وضع برای دیگران روشن است. بنابراین در پژوهش حاضر سعی شده است که چرایی بلایا و آثار آن در زندگی انسان از منظر قرآن و روایات مورد بررسی قرار گیرد.



۱. مفهوم شناسی

به منظور فهم دقیق لازم و ضروری است که مفردات مرتبط با موضوع مورد بررسی قرار گیرد. در قرآن کریم واژه‌های مختلفی برای امتحان به کار رفته است. از جمله این واژه‌ها، بلا و ابتلاء می‌باشد که با عبارت‌های مختلف در قرآن ۳۷ بار تکرار شده است که بیشتر به معنای آزمایش و امتحان می‌باشد.

۱-۱. مفهوم لغوی بلا

واژه بلا به معنای آزمایش، امتحان، فتنه، کهنه شدن و نعمت است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۰ و قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۲۲۹، و ج ۵، ص ۱۴۷) که با چهره‌های متفاوتی پدید می‌آید؛ گاه آشکار است «إِنَّ هَذَا هُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ» (صافات، ۱۰۶) و گاهی پنهان زمانی با تلخی‌ها و کاستی‌ها همراه است، و زمان دیگر با رفاه و راحتی «وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً» (انبیاء، ۳۵)، پاره‌ای اوقات دارایی و اموال در معرض امتحان قرار می‌گیرد و موقعی دیگر جان‌های خود، عزیزان و محبوبان «لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ» (آل عمران / ۱۸۶. انبیاء / ۳۵. فجر / ۱۵. طارق / ۹. یونس / ۳۰).

وقتی گفته می‌شود «بَلَى الثَّوْبُ»: یعنی لباس کهنه شد. در باره مسافرم گفته می‌شود: «بَلَاءُ سَفَرٍ»: یعنی مسافرت او را خسته و فرسوده کرد. پس وقتی می‌گوییم «بَلَوْتُهُ» یعنی او را آزمودم؛ مثل این است که از زیادی آزمایش خسته‌اش کردم. همین طور «أَبْلَيْتُ فُلَانًا»، فلانی را امتحان کردم. غم و اندوه نیز «بلاء» نامیده شده است، چون جسم انسان را به رنج می‌اندازد. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۰۹).

بلاء، إِبْلَاءٌ و ابتلاء به معنای آزمودن هستند و در خیر و شر و نعمت و عذاب به کار می‌روند. خلاصه این که بلا در اصل به معنی کهنگی و فرسودگی است، سپس به آزمایش کردن بلا گفته شده، زیرا هر چیزی بر اثر آزمایش‌های متعدد حالت کهنگی به خود می‌گیرد، به غم و اندوه نیز بلا می‌گویند؛ چرا که جسم و روح انسان را فرسوده می‌کند، تکالیف و مسئولیت‌ها نیز بلا نام دارد، چرا که آن‌ها نیز بر جسم جان انسان سنگینی دارند، و از آنجا که آزمایش گاهی با نعمت است و گاهی با مصیبت، این واژه به معنی نعمت و گاه به معنی مصیبت آمده است. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۴۸)





۱-۲) مفهوم اصطلاحی بلا و ابتلا

۱-۲-۱) بلا و ابتلا در اصطلاح

واژه «بلا» در اصطلاح قرآن کریم در عین این که از معنای لغوی آن دور نمانده و با معنای لغوی و آنچه در میان مردم شایع است تفاوت چندانی نداشته است در معانی مثل آزمایش، نعمت و محنت هم به کار رفته است. آزمایش: «إِنَّ هَذَا هُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ» (صافات/۱۰۶) نعمت: «وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ» (بقره/۴۹) محنت: «وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ» (اعراف/۱۶۸). و کلمه ابتلاء با توجه به ریشه لغوی کلمه که در بردارنده معنای تداوم و تکرار است، عبارت است از مجموعه برنامه‌های مستمر و مداوم که در رابطه با انسان و عملکرد و رفتار وی جاری است. (موسوی نسب، ۱۳۸۵، ۱۷).

تفاسیر شیعه در ذیل آیه ۱۶۸ سوره اعراف این مطلب را بیان داشته‌اند که «بَلَوْنَاهُمْ» به معنای آزمایش و اختبار است که دو گونه است: آزمایش با «حسنات» یعنی وسعت رزق و امنیت؛ و آزمایش با «سیئات» یعنی فقر، ناراحتی و مشکلات. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۲۴۹؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۶).

البته تفاسیر شیعه برای معنای ذکر شده، هیچ روایتی را نقل نمی‌کنند، ولی سیوطی در تفسیرش، همان معنای فوق بر اساس روایت نقل می‌کند. وی می‌گوید: برخی روایان از ابن عباس نقل کرده‌اند که منظور از «وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ»، عبارت است از: «خَصَب» (فراخی، فراوانی و سرسبزی و شکوفائی) و «جَدَب» (خشکسالی و قحطی). (سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۹۳). عرب دو واژه: «خَصَب» و «جَدَب» را در مقابل هم به کار می‌برد. (دهخدا، ۱۳۷۷ش، واژه خصب و جدب).

۲. چرای بلا و ابتلاء از منظر قرآن و روایات

حوادث و بلایای طبیعی یکی از قدیمیترین مباحثی است که فکر بشر را به خود مشغول کرده و از ابعاد مختلف به بحث پیرامون علت و فلسفه وجودی و ماهیت آن پرداخته و مطالب گوناگونی در این باب ارائه شده است. از جمله مباحثی که در باره بلایای طبیعی مطرح گردیده، معناداری و جهت دار بودن پدیده‌ها و حوادث غیرمترقبه طبیعی می‌باشد؛ چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«به سبب آنچه که دست‌های مردم فرآهم آورده، فساد در خشکی و دریا پدید آمده، تا سزای بعضی از آنچه را که مرتکب شده‌اند، به آنان بچشانند». (سوره روم: ۳۰)

بنابراین گناهان و کارهای زشت و ناپسند آثار فردی و اجتماعی بدی را به دنبال دارد؛ همچنان که کارهای خیر و خوبی‌ها آثار زیبا و خوبی را در پی دارند.

بدون شک حوادث و بلایای طبیعی دارای حکمت است. یا به عنوان امتحان و آزمایش و یا به عنوان نتیجه اعمال و گناهان و یا معلول حوادث و فعل و انفعالات طبیعی می‌باشند.

پس به طور کلی می‌توان گفت: حوادث غیرمترقبه و بلایای طبیعی که در جهان اطراف ما اتفاق می‌افتد، معلول علل مختلفی از جمله ابتلاء و امتحانات الهی، افعال انسانی و فعل و انفعالات طبیعی و غیره است، که به صورت مختصر بیان می‌شود.

۱-۲. عمل و رفتار انسان

نظام هستی بر اساس و مبنای اصل «علت و معلول» و «عمل و عکس‌العمل» استوار است و مجموعه فعالیت‌های ما دارای سه اثر خواهد بود:

الف. اثر شرعی

آن‌گاه که با انجام احسان به هم‌نوعان و یا تلاوت قرآن کار پسندیده‌ای انجام دادیم و یا آن که با سخن ناپسندی، قلبی را رنجانندیم، پاداش اعمالمان در آخرت، اثر شرعی فعالیت‌های ما خواهد بود.

ب. اثر قانونی

تشویق‌ها و تنبیه‌هایی که در جامعه وجود دارد که گاه به سربلندی و یا سرافکندگی می‌انجامد، نمودهای این اثر است.

ج. اثر تکوینی

تأثیر وجودی و ذاتی عمل انسان که در جسم و جان او تأثیر می‌گذارد، ویژگی این اثر است، چه آن که اثر شرعی بر عمل او وجود داشته و به پاداش یا مجازات خود برسد یا آن



که با ریا پاداش خود را ضایع و با توبه، لطف خداوند را به سوی خود جلب کند و از عذاب اخروی برهد.

همچون کسی که از سرجهالت و نادانی مرتکب عمل زشتی چون شراب خواری شده است و پس از آگاهی از کرده خویش نادم گشته، با توبه تمامی عذابهای سرای آخرت را از خود دور کرده است، حال چنین شخصی از آثار سوء و ضررهای جسمی و روحی شراب نیز ایمن خواهد بود؟! هرگز. زیرا آثار وضعی و تکوینی عمل باقی است. گرچه خداوند قادر است و توانایی محو آن آثار را دارد و خداوند عالم است و به آثار سوء عمل گذشته او آگاهی دارد، اما نظام هستی براساس عمل و عکس العمل و علت و معلول استوار است و اگر یکایک این آثار و پدیده ها برداشته شود، مجموعه قوانین آفرینش به هم خورده و تمامی هستی دچار هرج و مرج می شود.

از دیدگاه جهان بینی قرآنی افعال نیک و بد انسان ها در پاره ای از حوادث تلخ و شیرین طبیعی مؤثر می باشد. قرآن در رابطه با نقش افعال نیک در فزونی نعمت ها می فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، (اعراف/۹۶)؛

و اگر اهل شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می کردند، برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می گشودیم».

مفسرین اهل سنت در ذیل این آیه این شأن نزول را بیان داشته اند: «گروهی از بادیه نشینان خدمت پیامبر اعظم ﷺ رسیدند؛ پس از ملاقات با نبی اکرم، اگر حال جسمانی آن ها خوب می شد، اسب آن ها بچه خوبی می آورد، زن آن ها پسر می زائید و اموال و چهارپایان آنان فزونی می گرفت، خشنود می شدند و به اسلام و پیامبر اکرم ﷺ عقیده پیدا می کردند؛ اما اگر بیمار می شدند، همسرشان دختر می آورد و اموالشان رو به نقصان می گذاشت، و سوسه های شیطانی قلبشان را فرا می گرفت و به آن ها می گفت: تمام این بدبختی ها به دلیل این آئینی است که پذیرفته اید و آن ها هم از اسلام روی گردان می شدند». (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۱۳؛ قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۲، ص ۱۸).

در روایتی که هم در منابع روایی شیعه و هم در منابع روایی اهل سنت آمده است، بر این نکته تأکید شده است که حتی پیامبران و جانشینان آنان، مشمول بلاها و



گفتاری ها هستند:

«إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ الْأَنْبِيَاءِ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُوهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُوهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُوهُمْ، (نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۳۸۰، حدیث ۷۶۱۳؛ حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۳۰۶، حدیث ۲۷۱۴۷؛ طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۴، ص ۲۴۵، حدیث ۶۲۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۲۷، حدیث ۶۷۸۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۵۲، حدیث ۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۴۱، حدیث ۷۱)؛

پررنج و بالاترین مردمان، پیامبران اند، سپس پیروان آن ها، سپس پیروان پیروان آن ها، بعد پیروان پیروان پیروان آن ها».

و نیز می فرماید:

«وَلَنْ شَكْرُكُمْ لَا زَيْدَنَّكُمْ، (ابراهیم / ۷)؛

یعنی اگر واقعا سپاس گزاری کنید، البته نعمت شما را افزون خواهم کرد».

خداوند متعال در مورد تأثیر کارهای بد در پیدایش بلاها و مصایب چنین می فرماید:

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (شوری / ۳۰)؛

و هر گونه مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست، و خدا از بسیاری درمی گذرد».

در تفاسیر روایی شیعه، مانند تفسیر البرهان، روایات فراوانی در ذیل آیه فوق آمده است. دو مضمون در این روایات، مورد تأکید قرار گرفته است: نخست این که بسیاری از مصیبت ها به خاطر رفتارهای گناه آلود بندگان است و البته بسیاری از گناهان نیز بخشیده می شود؛ دوم این که برخی از روایان سؤال می کنند پس چرا انبیاء یا امامان معصوم علیهم السلام در زندگی دارای مشکلات بوده اند. امام در جواب می فرماید: آیه فوق در باره ما اهل بیت علیهم السلام نیست. آن گاه امام علیه السلام این مثال را می زند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هر روز و هر شب، یکصد مرتبه استغفار می کرد، در حالی که گناهی مرتکب نشده بود. خداوند گاهی اولیای خویش را به مصیبت ها مبتلا می کند تا درجات آنان افزون نماید. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۸۲۶).^۱



۱. «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا

تفسیر نورالثقلین نیز شبیه کتاب البرهان، روایاتی به مضمون فوق آورده است (رک: حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۵۸۰ به بعد)، ولی روایات منقول در نورالثقلین به گستردگی تفسیر البرهان نیست.

تفسیر الدر المنثور (سیوطی) نیز روایاتی به این مضمون ذکر کرده که هر مصیبت و گرفتاری و حتی خدشه کوچک و فراموشی آیات به دلیل ارتکاب گناه است. و از این جهت شبیه روایات منقول در تفاسیر روائی شیعه است. با این تفاوت که سیوطی این روایت را از امام علی علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: با فضیلت ترین آیات، آیه ۳۰ سوره شوری است که خداوند گناهان بسیاری را در دنیا می بخشد و خداوند بزرگوارتر از این است که بخواهد روز قیامت دوباره او را بازخواست و مجازات کند. (سیوطی، ج ۶، ص ۹).^۱

روایت فوق، در تفاسیر دیگر اهل سنت نیز آمده است؛ مانند: تفسیر قرطبی (قرطبی، ۱۳۸۴ق، ج ۱۶، ص ۳۰). و تفسیر ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۳۲۰) و تفسیر ثعالبی (ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۱۶۲).

این آیه به خوبی نشان می دهد مصائبی که دامنگیر انسان می شود، يك نوع مجازات الهی و هشدار است و به این ترتیب یکی از فلسفه های حوادث دردناک و مشکلات زندگی روشن می شود.

حضرت علی علیه السلام در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، تفسیر این آیه (وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ...) را این چنین فرمود:

عَنْ كَثِيرٍ أَرَأَيْتَ مَا أَصَابَ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَأَهْلَ بَيْتِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) مِنْ بَعْدِهِ، أَهْوَبًا كَسَبَتْ أَيْدِيهِمْ، وَ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ طَهَارَةٍ مَعْصُومُونَ؟ فَقَالَ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَانَ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مِائَةَ مَرَّةٍ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ، إِنَّ اللَّهَ يَخْصُ أَوْلِيَاءَهُ بِالْمَصَائِبِ لِيَأْجُرَهُمْ عَلَيْهَا».

۱. «عن علی بن ابی طالب رضی الله عنه قال ألا أخبرکم بأفضل آية في كتاب الله حدثنا بها رسول الله صلى الله عليه وسلم وما أصابکم من مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعُفُوا عَنْ كَثِيرٍ وَ سَأَفْسِرُهَا لَك يَا عَلِي مَا أَصَابَكَ مِنْ مَرَضٍ أَوْ عَقُوبَةٍ أَوْ بَلَاءٍ فِي الدُّنْيَا فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَاللَّهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَنْثِي عَلَيْكُمْ الْعُقُوبَةَ فِي الْآخِرَةِ وَمَا عَفَا اللَّهُ عَنْهُ فِي الدُّنْيَا فَاللَّهُ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَعُودَ بَعْدَ عَفْوِهِ».

«این آیه، بهترین آیه در قرآن مجید است. ای علی! هر خراشی که از چوبی برتن انسان وارد می شود و هر لغزش قدمی، بر اثر گناهی است که از او سرزده و آنچه خداوند در دنیا عفو می کند گرامی تراز آن است که «در قیامت» در آن تجدید نظر فرماید و آنچه را که در این دنیا عقوبت نموده، عادل تراز آن است که در آخرت بار دیگر کیفر دهد». (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۴۰).

به این ترتیب، این گونه مصائب علاوه بر اینکه بارانسان را سبک می کند، او را نسبت به آینده کنترل خواهد کرد.

ناگفته نماند گرچه ظاهر آیه عام است و همه مصائب را در بر می گیرد، ولی استثنائاتی هم وجود دارد، مانند مصائب و مشکلاتی که دامنگیر انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام می شد که برای ترفیع مقام با آزمایش آن ها بود. و همچنین مصائبی که گریبان غیر معصومین را می گیرد و جنبه آزمون دارد، و یا مصائبی که بر اثر ندانم کاری ها و عدم دقت و مشورت و سهل انگاری در امور حاصل می شود که اثر تکوینی اعمال خود انسان است. اما از آنجا که بیشتر افراد آن جنبه کیفری و کفاره ای دارد، آیه فوق آن را به صورت عموم مطرح ساخته است.

مصیبت ها و بلاهایی که برای افراد یا خانواده ها، یا جوامع بشری پیش می آید و ناشی از افعال آدمی است چند قسم اند:

الف: بلاهایی که معلول عملکرد خود انسان هاست؛ مانند اینکه يك جوان خود را به مواد مخدر معتاد می کند و از این راه برای همیشه گرفتار و بدبخت می شود؛ و یا کسی که از راه قمار و یا ولخرجی، هست و نیستش را به باد داده، آسمان جُل گشته است! این بلا و مصیبت را نباید به حساب خدای متعال گذاشت.

ب: بلاهایی که معلول عملکرد پدر و مادر انسان است؛ مانند اینکه پدری در اثر مصرف مسکرات فرزندان خود را برای همیشه به برخی بیماری ها و مصایب گرفتار می کند؛ این بلا و مصیبت را هم نباید به حساب خداوند گذاشت. البته در این قسم بلاها که فرزندان بدون تقصیر گرفتار می شوند، خداوند متعال به مقتضای لطف و کرمش در جهان دیگر ناراحتی های آنان را جبران می کند و به مقتضای عدالتش حق مظلوم را از ظالم خواهد گرفت.

ج: بلاهایی که در اثر گناه و خلاف کاری پیش می‌آید و آثار وضعی اعمال انسان است؛ این نوع بلاها هم معلول کارهای خود انسان و انسان‌هاست و به هیچ نحو با عدالت ذات حق منافات ندارد. به طور مثال اگر دروغ‌گویی و خیانت در جامعه شایع شد، اعتماد عمومی متزلزل می‌شود و مردم در عذاب و رنج شدیدی به سر می‌برند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۹، ص ۱۰۴).

در دعای کمیل می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ؛

خدایا! برای من پیامرز گناهایی که بلا را نازل می‌کند».

گناهایی که سبب نزول بلاست سه گناه است:

۱. بی توجهی به فریادخواهی محزون دل سوخته:

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس به فریاد برادر مؤمن غصه دار و تشنه‌اش به هنگام سختی و رنجش برسد، پس غصه‌اش را برطرف کند و او را برای رسیدن به حاجتش یاری دهد، خدا از جانب خود هفتاد و دو رحمت برایش بنویسد که یکی از آن هفتاد و دو رحمت را در دنیا برای اصلاح امور زندگیش پیش اندازد و هفتاد و یک رحمت را برای ترس و هول قیامتش ذخیره کند.

۲. ترك كمك به ستمدیده:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدای عزوجل می‌فرماید:

«سوگند به عزت و جلالم، قطعاً در دنیا و آخرت از ستمکار انتقام می‌گیرم، و یقیناً از کسی که ستمدیده‌ای را ببیند و قدرت بریاری او داشته باشد و او را یاری ندهد، انتقام خواهم گرفت».

۳. ضایع کردن امر به معروف و نهی از منکر:

حضرت باقر علیه السلام فرمود: خدا به شعیب وحی کرد: از قوم تو صد هزار نفر را عذاب می‌کنم، چهل هزار نفر از اشرار و شصت هزار نفر از خوبان. گفت: پروردگارا! عذاب اشرار در جای خود صحیح است، خوبان چرا؟ خدا وحی فرمود: خوبان، نسبت به اشرار خیرخواهی نکردند و از بدی‌ها بازشان نداشتند و به آنان اعتراض نکردند و به خاطر خشم من بر آنان خشم نگرفتند. (انصاریان، ۱۳۸۸، ص ۱۹۲).

گاهی هم مصائب، جنبه دسته جمعی دارد، و محصول گناهان جمعی است؛ همان گونه که در آیه ۴۱ سوره روم می خوانیم:

«فساد در خشکی و دریا به خاطر اعمال مردم آشکار شد، تا نتیجه بعضی از اعمالی را که انجام داده اند، به آن ها بچشانند؛ شاید باز گردند».^۱

منابع روایی شیعه و اهل سنت، روایات فراوانی در ذیل آیه فوق بیان کرده اند. تفسیر البرهان از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند:

«حَيَاةُ دَوَابِّ الْبَحْرِ بِالْمَطَرِ، فَإِذَا كُفَّ الْمَطَرُ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَذَلِكَ إِذَا كَثُرَتِ الذُّنُوبُ وَالْمَعَاصِي، (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۵۱)؛

حیات موجودات دریا به آب باران است. هنگامی که باران منع گردد، فساد در خشکی و دریا ظاهر می گردد؛ و این در زمانی است که گناهان زیاد گردد».

آن گاه در کتاب البرهان روایاتی در مورد انواع گناهان، و تأثیر هر گناه در زندگی دنیوی و اخروی را بیان می دارد. برای مثال، قتل، پشیمانی را به دنبال می آورد، ظلم موجب عیب ها و زشتی ها، شرابخواری موجب هتک سترو آبروریزی، ربا موجب بسته شدن رزق و روزی، قطع صله رحم موجب مرگ زودرس، و عاق والدین موجب عدم استجابت دعا می گردد. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۵۱).

شبهه همین روایات، در دیگر کتب تفسیر روایی شیعه، ذکر شده است. (فیض کاشانی، ۱۳۷۳ش، ج ۴، ص ۱۳۵؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۹۱). که به دلیل اطاله کلام، از ذکر احادیث خودداری می شود.

سیوطی از مفسرین اهل سنت، روایات متعددی از عکرمه، ابن عباس، عطیه و دیگران در مورد اهمیت نزول باران و تأثیر آن در برکات خشکی و دریا سخن می گوید و به مقدار کمی در مورد تأثیر گناهان در سلب نعمت ها و بروز مشکلات، روایت ذکر می کند. (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۵۶). ثعلبی از دیگر مفسرین قبل از سیوطی نیز همین رویه را طی کرده و برمسأله باران تأکید دارد. وی می گوید: منظور از «ظَهَرَ الْفَسَادُ»، یعنی نبود باران، کمبود غلات و زایل شدن برکت. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۳۰۵).

۱. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ».

تشابه تفاسیر فریقین در ذیل آیه ۴۱ سوره روم، تمسک به اهمیت باران است. اهمیت باران و تأثیر آن بر برکات بَرّی و بحری، در روایات تفسیری شیعه و سنی بیان شده است و تفاوت در این است که تفاسیر شیعه به ویژه تفسیر البرهان و نورالثقلین روایت فراوانی در کیفیت تأثیر انواع گناهان در سرنوشت دنیوی و بلاها و گرفتاری‌ها و عذاب جهان دارد، در حالی که چنین گستردگی در روایات اهل سنت در ذیل این آیه دیده نمی‌شود. در آیه ۷۸ سوره اعراف وقوع زلزله را به علت کفران نعمت قوم ثمود برمی‌شمرد و می‌فرماید:

«پس زمین لرزه آن‌ها را بگرفت و در خانه هایشان درجا مردند».

قوم ثمود در سرزمین حجر که بین عربستان و سوریه قرار داشت زندگی می‌کردند. قوم ثمود مردمی متمدن بودند که برای سکونت خود قصرها می‌ساختند و از کوه‌ها با مهارت خاصی خانه می‌تراشیدند و دل کوه‌ها را می‌تراشیدند. شغل آنان زراعت و احداث قنوات و غرس نخل‌ها بوده و زندگی آسوده و خوشی داشتند. آنان کمتر از سیصد سال عمر نمی‌کردند و بعضی تا هزار سال هم عمر می‌نمودند. متأسفانه بت پرستی در میان آنان مرسوم شد و خداوند تعالی برای هدایتشان صالح را در سن شانزده سالگی که از خانواده‌های اصیل و محترم خودشان بود و به عقل و علم در میانشان ممتاز و معروف بود را فرستاد. صالح تا سن صد و بیست سالگی در میان قومش مشغول هدایت بود، ولی فقط افراد خیلی کمی به او پیوستند، تا اینکه عذاب الهی بر قوم ثمود نازل شد و آن مردم بت پرست به وسیله صیحه و زلزله و صاعقه نابود شدند.

در آیات ۱۶ و ۱۷ سوره سبأ به گرفتار شدن قوم سبأ به سیل در اثر روی گرداندن شدن از خدا و کفران نعمت اشاره شده:

«آن‌ها در محل سکونتشان نشانه‌ای از قدرت الهی بود: دوباغ بزرگ و گسترده از جانب راست و چپ و رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان؛ و به آن‌ها گفتیم: از روی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده و مهربان. اما آن‌ها از خدا روی گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم، و دوباغ پربرکت شان را به دوباغ بی ارزش با میوه‌های تلخ و درختان شورگزن و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم».



۱-۲) استدراج ابتلاء و امتحان خداوند

استدراج و ابتلاء دو مفهوم قرآنی است که ناظر به نعمت‌های مادی و ناگواری‌های طبیعی می‌باشد. هرگاه انسان در ورطه عصیان و نافرمانی خدا فرو افتد و در عین حال با حوادث تلخ رو به رو نگردیده، پیوسته در آسایش و نعمت‌های مادی به سربرد، به عذاب استدراج گرفتار گردیده است، ولی هرگاه پس از ارتکاب گناه با مصایب و ناملایماتی روبرو شود و او را متنبه ساخته تا از گناه توبه نماید و به اطاعت خدا باز گردد، مشمول رحمت خداوند بوده و بدین طریق گوهر ایمان او را از آلودگی‌های گناه پاک می‌کند. (ربانی گلیایگانی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵).

امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه: «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» می‌فرماید:

همانا چون خداوند خوبی بنده ای را بخواهد و آن بنده گناهی مرتکب شود، خدا دنبالش او را کیفری دهد و استغفار را به یاد او اندازد، و چون برای بنده ای بدی خواهد و او گناهی کند، خدا دنبالش نعمتی به او دهد تا استغفار را از یاد او ببرد و به آن حال ادامه دهد، و این است گفتار خدای عزوجل «به تدریج و آهستگی آن‌ها را غافل گیر کنیم از راهی که ندانند». (اعراف، ۱۸۲) «(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، کتاب ایمان و کفر، ص ۱۸۸).

بنابراین بلاها مصداق خیر و مظهر رحمت و لطف خداوند است، حوادث تلخ برای این افراد مانند داروی تلخی است که پزشک و اولیای بیمار را از روی دلسوزی و مهر به او می‌خورانند تا وی را از خطر هلاکت برهانند. حال اگر بیمار در اثر پرهیز نکردن از غذاهای زیان آور و عدم رعایت دستورات طبیب از خوردن دارو بهره ای نگرفت، و داروی تلخ، شیرینی سلامت را به بار نیاورد، هیچ گونه مذمت و نکوهشی متوجه طبیب نبوده و شرور و بدی معلول سوء اختیار بیمار است و بس.

حضرت علی علیه السلام در باره ی آیه «تَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ» فرمودند: سلامتی و غنی، خیر، و بیماری و فقر، شر است و هردو برای امتحان می‌باشد. بنابراین: ۱- سنت الهی بر جاوید نبودن انسان در این جهان است. «ما جَعَلْنَا لِبَشَرٍ... الْخُلْدَ»؛ ۲- اگر بنا باشد انسانی در دنیا همواره زنده بماند، آن شخص، پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود. «أَنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ»؛ ۳- گرچه خیر و شر، هردو ابزار آزمایش‌اند، ولی آزمایش با تلخی‌ها مناسب‌تر است. «تَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ» (شاید تقدّم «شر» نیز به همین مناسبت باشد)؛ ۴- آزمایشات الهی سخت و مهم

است. «تَبْلُوكُمْ... فِتْنَةً»؛ ۵- با مرگ، نیست و نابود نمی شویم. «إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۲۵۰).

کلام خداوند در قرآن کریم «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ» ظاهراً مبنی بر تسلیت و تسکین خاطر پریشان بازماندگان شهداء است؛ یعنی خداوند در این آیه مسلمین را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: ناکامیها و تبعات جنگ با کفار آزمایش عمومی است که پس از پایان جنگ و کشته شدن عده‌ای از مردان ناچار بازماندگان آن‌ها برای این پیشامدهای ناگوار بایستی صبر و شکیبائی داشته باشند، زیرا جنگ علاوه بر اینکه موجب کشته شدن گروهی از مردم خواهد بود باعث اتلاف اموال و ویرانی شهرها و اختلال وضع زراعت و کمیابی خواربار نیز خواهد بود که امکان دارد آثار آن تا چند سال دیگر نیز از بین نرود. این است که خداوند متعال در ذیل این آیه کریمه با جمله: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» پیغمبر اکرم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: ای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به جامعه مسلمین عموماً و به بازماندگان شهداء خصوصاً مژده بده که در مقابل پیش آمدهای ناگوار شکیبا باشند تا آنان نیز در فیض شهداء سهیم گردند و آیه: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ نِزَائِنٌ مژده را تفسیر نموده است و اما آزمایش خداوند به خاطر این نیست که چیزهای مبهم و ناشناخته‌ای برای وی روشن گردد، زیرا علم بی نهایت خداوند متعال همه چیز را در بر گرفته و از اسرار همه موجودات آگاه است، بلکه آزمایش خداوند برای پرورش و تربیت انسان‌ها است و از قوه بفعل رساندن استعدادها و نهفته می باشد و کارهای خوب و بد که از انسان سر می زند و معرف روحیات و کمالات اوست ظاهر گشته و به واسطه اعمالش مستحق جزا و پاداش گردد؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: «وَلِيُنَبِّئَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (آل عمران / ۱۵۴).

در این آیه به آزمایش و امتحان عمومی بشر که شامل حال همه کس می شود، تصریح می کند. در آیه دیگر نیز آمده است: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت / ۲) در نهایت رمز موفقیت در امتحانات الهی را خداوند متعال با جمله کوتاه و پرمعنای «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» بیان فرموده است و برای این ارزشمند اقسامی بیان شده است: صبر در جنگ شجاعت است، صبر بر کف نفس (خودداری) از محرّمات تقوی، صبر از شهوات عفت، صبر بر فضول عیش زهد، و صبر بر زحمت عبادات طاعت، و صبر





برترك شبهات و وَرَع، و صبر بر اذاعه سرکتمان وغيره. و اینکه گفته‌اند صبر بر رأس ایمان است، از این بیان معلوم می‌گردد، زیرا اکثر اخلاق حمیده از نتایج صبر و خود صبر ثمره ایمان است. (داورپناه، ۱۳۷۵، ج ۳، ص: ۲۸۱ و حسینی همدانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۱).

۲-۱-۲) چرائی بلا در روایات

آنچه تاکنون در باره آزمایش بشر خواندیم از نظر قرآن مجید بود که فرمود: هر فرد مسلمانی بدون استثناء مورد آزمایش قرار گرفته و خواهد گرفت. و اما از منظر روایات چگونه است. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۶ نهج البلاغه می‌فرماید:

«وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَيُثْلِبَنَّ بَلْبَلَةً وَلَيُغْزِبَنَّ غَزْبَلَةً وَلَيُسَاطِنَنَّ سَوَاطِنَ الْقَدْرِ حَتَّى يُعَوِّدَ أَهْلَكُمْ أَعْلَاكُمْ وَأَعْلَاكُمْ أَهْلَكُمْ»

یعنی سوگند به حق آن خدائی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به حق و برای حق مبعوث نمود شما مسلمین حتما و شدیداً مورد آزمایش قرار خواهید گرفت. و به طور قطع و به طرز مخصوصی غربال می‌شوید (تا خالص شما از ناخالص جدا شود) و همانند محتویات دیگری که در حال جوشیدن باشد زیر و رو خواهید شد، تا آنجا که اعلای شما اسفل و اسفل شما اعلای قرار خواهید گرفت». (رک: نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۵، ص ۲۳۲).

بنابراین بلاهایی که خدای متعال برای از بین بردن آثار گناه پیش می‌آورد، و در حقیقت کفاره گناهان است که خداوند متعال به لطف و رحمتش قسمتی از گناهان برخی گناهکاران را در دنیا می‌شوید تا پس از مرگ، گرفتار عذاب‌های دردناک نشوند. این نوع حوادث عین لطف خداست. و بلاهایی که خدای متعال برای آزمایش و امتحان بزرگان پیش می‌آورد، و امتحان کردن از سنت‌های الهی است که به هیچ وجه تعطیل بردار نیست، و این آزمایش برای پرورش دادن و تربیت و سیر تکاملی انسان انجام می‌گیرد.

۲-۲) بلاهای طبیعی

الف) وقوع سیل و زلزله

امروزه سیل و زلزله از جمله بزرگترین عامل خسارت در بین حوادث طبیعی است.



نکته جالب توجهی که در قرآن به آن اشاره شده است، بارش باران به عدد و مقدار معین است.

«أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا، (رعد / ۱۷)؛

و از آسمان آبی فرو فرستاد، پس دره ها و مسیل ها به وسعت خود جاری شدند».

«وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ (مؤمنون / ۱۸)؛

و از آسمان به اندازه، آب نازل کردیم».

تعبیر قرآن کریم به «قَدَر» اشاره لطیفی به نظام خاص حاکم بر نزول باران دارد که بارش باران بر مقتضای تدبیر الهی است و به اندازه ای می بارد که مفید و ثمربخش بوده و زیانبار نیست. بر اساس تحقیقاتی که دانشمندان بر روی تناسب قطرات باران انجام دادند به این نتیجه رسیدند که مقدار قطراتی که از زمین بخار می شوند در حدود ۱۶ میلیون تن می باشد و به همین میزان آب از آسمان فرود می آید. درینش الهی، تأثیرگذار در جهان هستی فقط خداوند است: «لَا مُؤَثِّرُ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ». از این رونوع کار هر یک از موجودات تحت فرمان مشیت اوست: «لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ برای اوست کلید آسمانها و زمین». باران نیز از این قاعده مستثنی نیست که بر اساس مشیت الهی، گاه لباس نعمت به خود می پوشد.

همان گونه که در سوره نور آیه ۴۳ آمده است:

«آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می راند، سپس میان آن ها پیوند می دهد، و بعد آن را متراکم می سازد؟! در این حال، دانه های باران را می بینی که از لابه لای آن خارج می شود؛ و از آسمان از کوه هایی که در آن است. ابرهایی که همچون کوه ها انباشته شده اند. دانه های تگرگ نازل می کند، و هر کس را بخواهد به وسیله آن زیان می رساند، و از هر کس بخواهد این زیان را بر طرف می کند؛ نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها) چشم ها را ببرد».

در تفسیر نمونه در ذیل این آیه کریمه آمده است: آری اوست که از یک ابرگاهی باران حیات بخش نازل می کند و گاه با مختصر تغییر آن را به تگرگ های زیانبار و حتی کُشنده تبدیل می کند و این نهایت قدرت و عظمت او را نشان می دهد که سود و زیان و مرگ و زندگی را در کنار هم چیده و بلکه در دل هم قرارداد است.

ب) زمین لرزه

قرآن کریم می‌فرماید:

«فَأَخَذْتَهُمُ الرِّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ» (اعرف / ۷۸)؛

پس زمین لرزه آن‌ها را بگرفت و در خانه هایشان درجا مردند».

خداوند در این آیه وقوع زلزله را به علت کفران نعمت قوم ثمود برشمرده است.

ج) خشکسالی

با توجه به این که در دهه‌های اخیر در بین حوادث طبیعی که جمعیت‌های انسانی را تحت تأثیر قرار داده است، ولی فراوانی پدیده خشکسالی از نظر درجه شدت، طول مدت، مجموع فضای تحت پوشش، تلفات جانی، خسارات اقتصادی و اثرات اجتماعی دراز مدت در جامعه، بیشتر از سایر بلایای طبیعی بوده است. همچنین تمایز این پدیده با سایر بلایای طبیعی در این است که برخلاف سایر بلایا این پدیده به تدریج و در یک دوره زمانی نسبتاً طولانی عمل کرده و اثرات آن ممکن است پس از چند سال و با تأخیر بیشتری نسبت به سایر حوادث طبیعی ظاهر شود. (وب سایت روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران، tums.ac.ir).

قرآن کریم در آیه ۱۵۵ سوره بقره سخن از خشکسالی و قحطی به میان آمده است و خدا از آن به عنوان وسیله‌ای برای آزمایش انسان‌ها و کفار گناهان یاد کرده است. «وَبِی تَرَدِيدٍ شَمَا رَا بِهٖ شَیْءٍ اَنْدَکَ اَز تَرَسٍ وَگرسنگی و کاهش بخشی از اموال و کسان و محصولات «نباتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند» آزمایش می‌کنیم، و صبرکنندگان را بشارت ده»^۱.

در ذیل آیه فوق، روایات فراوانی در منابع شیعه و اهل سنت مذکور است و تفاوت‌هایی هم مشاهده می‌شود. در تفاسیر روایی شیعه، و در روایات متعدد، این مضمون وارد شده است که یکی از علامات پیش از ظهور حضرت حجت عجلایه، قحطی، گرسنگی و گرانی و کمبود ارزاق است. (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۵۸؛ فیض کاشانی،



۱. وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ.



۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۲۰۴؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۴۲). برای مثال، ابوبصیر از امام صادق علیه السلام این روایت را نقل می‌کند:

«لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ قِيَامِ الْقَائِمِ سَنَةٌ يَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ، وَيَصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ، وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ، وَإِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبَيِّنٌ» ثُمَّ تَلَاهِزِهِ الْآيَةُ: "وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرٍ الصَّابِرِينَ"، (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۵۹)؛

ناگزیر باید پیش از آمدن قائم، سالی باشد که مردم در آن سال گرسنه بمانند و آنان را ترسی سخت از کشتار و کاهش در مال‌ها و کم شدن عمرها و محصولات فراگیرد که این در کتاب خداوند بسیار آشکار است. آن‌گاه حضرت آیه ۱۵۵ سوره بقره را تلاوت کردند. و چند تفسیر از تفاسیر روایی شیعه (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۴۳؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۲۰۴؛ قمی مشهدی ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۹۸) به این کلام امام امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه استناد کرده‌اند که آن حضرت فرمود:

«أَنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَ حَبْسِ الْبَرَكَاتِ وَ إِغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ، لِيَتُوبَ تَائِبٌ وَ يَقْلَعَ مُقْلَعٌ، وَ يَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ، وَ يَزْدَجِرَ مُزْدَجِرٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳)؛

خداوند بندگان خویش را هنگامی که اعمال بد انجام دهند، به کمبود میوه‌ها و جلوگیری از نزول برکات آسمان و بستن درهای گنج‌های خیرات مبتلامی سازد، تا توبه کاران توبه کنند، گنهکاران دست از گناه بکشند، پندپذیران پند گیرند، و عاصیان از معصیت باز ایستند».

طبری از مفسرین اهل سنت، به نقل از ابن عباس نقل می‌کند که: خداوند به مؤمنین خبر داده است که دنیا، دار بلا است و خداوند مؤمنین را در دنیا امتحان خواهد کرد و به ایشان دستور داده که در مقابل مشکلات و شرها، صبور باشند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۵).^۱

۱. «أَخْبَرَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ، وَأَنَّهُ مَبْتَلِيهِمْ فِيهَا، وَأَمَرَهُمْ بِالصَّبْرِ وَ بَشَّرَهُمْ، فَقَالَ: وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ....».

طبری در ذیل آیه ۱۵۵ بقره (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ...) این روایت را نقل می کند که: این آیه در شأن اصحاب محمد ﷺ است. (همان). همین روایت را نیز سیوطی متذکر می شود. (سیوطی، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۵۶).

سیوطی همچنین روایتی را از اصحاب نقل می کند که: «زمانی بر امت خواهد آمد که بر درخت خرما، جزیک عدد خرما نباشد». (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۵۶). که این روایت، می تواند به همان مضمون آخر الزمان باشد که در روایات شیعه وارد شده است. آن گاه سیوطی روایات متعددی در اهمیت و فضیلت صبر و بردباری در مشکلات و مصیبت ها بیان می کند؛ از جمله این روایت را از امام علی علیه السلام و به نقل از پیامبر اکرم ﷺ نقل می کند:

«فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ثَوَابَ ثَلَاثِمِائَةِ دَرَجَةٍ مَا بَيْنَ الدَّرَجَةِ إِلَى الدَّرَجَةِ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۵۶)؛

هر کس بر مصیبتی صبر کند، خداوند پاداش سیصد درجه به او عنایت می کند که مابین هر درجه تا درجه دیگر، فاصله زمین تا آسمان است».

جالب است که روایت فوق در منابع متعدد شیعه هم ذکر شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۹۱؛ شعیری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۱۶). نتیجه آن که این روایت، از روایات تقریبی، و مورد قبول فریقین است.

در آیه ۹۶ سوره اعراف آمده است:

«اگر این مردم به درستی ایمان می آوردند و تقوا را پیشه خود می ساختند. ما هم برکات آسمان و زمین را بر آن ها نازل می کردیم؛ ولی آنان خدا را تکذیب کردند و بر اثر این اعمال زشتشان گرفتار مجازات الهی (قحطی و خشکسالی) شدند».

۳. آثار مثبت و منفی بلاها در زندگی انسان

با توجه به این که خداوند، جهان طبیعت را برای انتفاع بشر آفریده است و هیچ چیز در عالم طبیعت بدون حکمت نیست؛ همان گونه که خداوند می فرماید:

آنچه در زمین است را برای انتفاع بشر آفریده است.

از این رو در این قسمت آثار و پیامدهای حاصل از بلا را که به دو دسته کلی تقسیم





می شود، مورد بررسی قرار می دهیم.

۱-۳. آثار مثبت بلایا

الف. اثر تربیتی

سختی و گرفتاری، هم تربیت کننده فرد و هم بیدار کننده ملت هاست. سختی، بیدار سازنده و هوشیار کننده انسان های خفته و تحریک کننده عزم ها و اراده هاست. شدائد همچون صیقلی که به آهن و فولاد می دهند، هرچه بیشتر با روان آدمی تماس گیرد او را مصمم تر و فعال تر و برنده تر می کند؛ زیرا خاصیت حیات این است که در برابر سختی مقاومت کند و به طور خودآگاه و یا ناخودآگاه آماده مقابله با آن گردد.

سختی همچون کیمیا، خاصیت قلب ماهیت کردن دارد، جان و روان آدمی را عوض می کند. اکسیر حیات دو چیز است: عشق، و آن دیگری بلاء. این دو، نبوغ می آفرینند و از مواد افسرده و بی فروغ، گوهرهایی تابناک و درخشان به وجود می آورند. ملت هایی که در دامن سختی ها و شدائد به سر می برند نیرومند و با اراده می گردند. مردم راحت طلب نازپرورده، محکوم و بدبختند. (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۵۶)

ب. بیداری از خواب غفلت

همه ما افرادی را دیده ایم که وقتی غرق نعمتی می شوند، گرفتار «غرور و خودبینی» می گردند، و در این حالت بسیاری از مسائل مهم انسانی و وظایف خود را به دست فراموشی می سپارند.

و نیز همه ما دیده ایم که در هنگام آرام بودن اقیانوس زندگی و راحتی و آسایش کامل چگونه یک حالت «خواب زدگی و غفلت» به انسان دست می دهد که اگر این حالت ادامه یابد، منجر به بدبختی انسان می گردد. زیرا سرگرمی و دلبستگی به مظاهر حیات مادی موجب غفلت از ارزش های معنوی می گردد و هر چه میزان این دلبستگی افزایش یابد، فاصله انسان از معنویت و سعادت حقیقی بیشتر می گردد.

فرد یا جمعیتی که در رفاه و آسایش باشند و هیچ ناگواری برایشان پیش نیاید، نه به فکر کمک به مستمندی می افتند و نه تهیه یک مرکز خیریه، بلکه روز به روز غرور و

فسادشان رو به افزایش است. اما بلا، مصیبت و ناکامی‌ها گاهی آن چنان انسان را از غفلت بیرون می‌آورد که هیچ عامل دیگری چنین قدرتی را ندارد. رویارویی با زلزله، طوفان، مرگ عزیزی و غیره موجب ادب، موعظه و پند و بازگشت از اعمال خلاف و فساد، و پیوستن به نیکی می‌گردد و به دنبال آن اعمال صالح و شایسته بسیاری را به بار می‌آورد. گاهی يك زلزله مهیب رخ می‌دهد که حتی حکومت‌ها از رسیدگی و رفع مشکلات و مصائب آن عاجز می‌مانند، و با این تکان، پرده‌های غفلت به سختی پاره می‌گردد. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«زلزله و امثال آن موعظه و بیدار باش و ترسی است، تا مردم بترسند و از معصیت دست بردارند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۱۲۱، به نقل از امامی کاشانی، ۱۳۶۷، ص ۲۳۰).

امام صادق (ع) می‌فرماید: مؤمن چهل شب را سپری نمی‌کند، جز آن که پیش آمدی برایش شود که غمگینش سازد تا بدان وسیله متنبه گردد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۲۲، به نقل از طاقانکی و ناصری نژاد، ۱۳۹۰، ص ۲۹۹).

البته هرگز نمی‌گوئیم انسان باید با دست خود حوادث ناخوشایند بیافریند و به استقبال ناراحتی‌ها برود، چرا که همیشه این امور در زندگی انسان بوده و هست، بلکه می‌گوییم باید توجه داشته باشد که فلسفه قسمتی از این حوادث این است که جلو غرور و غفلت را که دشمن سعادت او است بگیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ص ۹۸).

خداوند برای بیدار نمودن انسان از خواب غفلت و توجه دادن او به ارزش‌های متعالی از وسایط گوناگونی استفاده نموده است که یکی از مهمترین آن‌ها حوادث تلخ و نامالیمات می‌باشد. قرآن کریم در این باره چنین فرموده است:

«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ، (اعراف / ۹۴)»

ما در هیچ دیاری پیامبری نفرستادیم، جز آن که ساکنان آن را به سختی و بیماری دچار کردیم تا مگر زاری کنند».

این آیه اشاره به این دارد که وقتی قومی سربه عبودیت خدا نگذاشتند، خدا برای اتمام حجت نهایی با انواع سنت‌ها آن‌ها را هشدار می‌دهد؛ مردم مادامی که در ناز و

نعمت هستند، کمتر گوش شنوا دارند و کمتر آماده‌اند که حق را بپذیرند؛ اما وقتی در مشکل می‌افتند، بی‌اختیار به یاد خدا می‌افتند و غالباً زودگذر و ناپایدار است، ولی برای افراد هوشیار نقطه عطفی می‌شود و زندگی و نیت و عملکرد آن‌ها را چنان تغییر می‌دهد که به خود آیند. در این آیات، از اقوامی که با پیامبران خود ناسازگای کردند، نام می‌برد که آن‌ها به هوش نیامدند و به حق رو نکردند و به ناچار هلاک شدند. (بهرام پور، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲). و نیز در آیه دیگر آمده است:

«وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصِ الْمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ، (اعراف / ۱۳۰)؛

و به راستی فرعونیان را به خشکسالی و کمبود محصولات دچار کردیم تا به خود آیند».

ج. افزایش ایمان و زدوده شده گناهان

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«این شما نبودید که آن‌ها را کُشتید، بلکه خداوند آن‌ها را کُشت، و وقتی [ریگ‌ها یا تیرها را] انداختی، این تو نبودی که انداختی، بلکه خدا بود که انداخت، تا مؤمنان را بدین وسیله به امتحان خوبی از جانب خود بیازماید. همانا خداوند شنوای داناست».

(انفال / ۱۷).

در جنگ بدر، پیامبر مثنی ریگ برداشت و به سوی آن‌ها پرتاب کرد و هر یک از ریگ‌ها که به کسی اصابت می‌کرد، او را می‌انداخت! پیروزی مسلمانان در این جنگ از مجرای عادی نبود، بلکه يك موضوع اعجازی بود. برای اینکه مسلمین امداد غیبی الهی را در این جنگ فراموش نکنند و مدد های خدا را پیش چشم داشته باشند، در روایات آمده است:

برخی از مسلمین می‌گفتند: من فلانی را کُشتم. دیگری مدعی بود: فلان کس را هم من به قتل رساندم. لذا فرمود: این شما نبودید که دشمنان را در میدان کشتید، بلکه خدا آن‌ها را به وسیله القای رعب بر آن‌ها و تقویت دل مؤمنان و ارسال فرشتگان، به قتل رسانید و توای پیامبر! ریگ و خاک به صورت آن‌ها نپاشیدی، بلکه خدا پاشید. در پایان این آیه می‌فرماید: جبهه بدر، يك میدان آزمایش برای مؤمنان بود و این آزمایش واقعا زیبا و

نیکو بود که فرمود: «بلاءاً حسناً» و آزمونی که نقداً افزایش ایمان آورد. (بهرام پور، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹).

یونس بن یعقوب از امام صادق علیه السلام شنید که فرمود: «ملعون است، ملعون است، هر آن تنی که هر چهل روز یکبار بلا نبیند. عرض کردم ملعون است؟! فرمود: ملعون است. چون حضرت دید این مطلب بر من گران آمده است فرمود: ای یونس! جراحات برداشتن، سیلی خوردن، زمین خوردن، گرفتاری، پاره شدن بند کفش و امثال این ها همه بلاست. ای یونس! مؤمن نزد خدای تعالی ارجمندتر از آن است که چهل روز بر او بگذرد و خداوند در آن مدت گناهانش را پاک نکند، گرچه با رسیدن اندوهی به او که خود نمی داند، علتش چیست؟ به خدا سوگند فردی از شما درهم هایش را جلوی خود می گذارد و آن ها را وزن می کند می بیند کم است و غمگین می شود [دوباره آن ها را وزن می کند] می بیند درست است. همین اندوه گناهی از او می زداید. (باقری طاقنکی و ناصری نژاد، ۱۳۹۰، ص ۳۰۰).

۲-۳. آثار منفی بلایا

بلایا و حوادث غیرمترقبه اثرات منفی نیز به دنبال دارند که اکثر آن ها با کمک دیگران قابل جبران هستند. این اثرات در چند گروه قابل بررسی هستند.

الف. اثر منفی اخلاقی

از جمله اثرات منفی اخلاقی می توان به تکبر و غرور شخصی اشاره کرد که از امتحان الهی سربلند و پیروز بیرون آمده است. در تفسیر مبین در ذیل آیه ۱۷ سوره انفال که اشاره ای به پیروزی مسلمانان در جنگ بدر و لطف و عنایت الهی است، آمده است که خطراین گونه الطاف غیبی آن است که در مسلمین غرور و خاطر جمعی پدید بیاورد و نقش اصلی خدا را فراموش کنند و از طرفی، دشمن را کوچک بشمارند و آمادگی مداوم و لازم را تدارک نبینند. (بهرامپور، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹).

از دیگر اثرات منفی بلایا، از میان رفتن شخصیت و احترام شخصی است که در میدان بلا و امتحان قرار دارد. مفضل بن قیس، سخت در فشار زندگی واقع شده بود. فقرو





تنگدستی، قرض و مخارج زندگی او را آزار می داد. يك روز در محضر امام صادق علیه السلام لب به شکایت گشوده و از بیچارگی های خود به امام گفت و در آخر از امام علیه السلام تقاضا کرد تا در باره اش دعایی بفرماید. امام صادق علیه السلام کیسه ای به او داد و مفضل بن قیس فرمود: در این کیسه چهارصد دینار است و کمکی برای زندگی تو است. مفضل گفت مقصودم از آن چه در حضور شما گفتم این نبود، مقصودم فقط خواهش دعا بود، بسیار خوب، دعا هم می کنم. اما این نکته را به تو بگویم، هرگز سختی ها و بیچارگی های خود را برای مردم تشریح نکن، زیرا اولین اثرش این است که در نظرها کوچک می شوی، شخصیت و احترامت از بین می رود. (رحمتی شهرضا، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲).

ب. بهداشتی مالی و جانی

از جمله آثار بلایای طبیعی آلودگی آب ها، آلودگی مواد غذایی، افزایش جانوران ناقل بیماری، شیوع بیماری های مسری، کمبود دارو و امکانات پزشکی، افزایش مواد آلوده کننده محیط زیست می باشد؛ چنان که در بیماری کرونا مردم مشاهده کردند.

یکی پیامدها و آثار منفی بلایای طبیعی تخریب جاده ها، پل ها، زمین های کشاورزی، مراتع و جنگل ها، چاه ها و قنات ها و تخریب بندهای سیل گیر، از بین رفتن حیوانات، تخریب منازل مسکونی، شکستن شیشه ها، افتادن تیرهای برق، ریزش آوار، ایجاد گودال، شکستن لوله های آب و گاز، شکستن سد، خرابی راه پله ها و آسانسورهاست.

در ضمن خسارت های مالی که بر زندگی انسان ها وارد می شود، بسیاری از انسان ها در اثر این حوادث جان های شان را از دست می دهند، مثلاً در صدمات وارده به بعضی از تأسیسات مانند مناطق مسکونی و مخازن سوختی مثل بنزین، نفت و گاز و سیستم های برق رسانی، گاه آتش سوزی را در بر دارد و بسیاری از موارد مشابه دیگر موجب مرگ و میر و مجروح شدن افراد زیادی می گردد.

نتیجه گیری

از آیات قرآن کریم و روایات بدست می آید که بشر همیشه در زندگی، در معرض

امتحان و آزمایشات الهی قرار دارد و او را هیچ راه نجات و فراری از حوادث و بلایایی طبیعی نیست و اگر افراد یا جوامعی را می بینیم که به ظاهر درد و رنجی ندارند، این بر اثر مطالعات سطحی ما است، چنان چه اگر وقتی به آن ها نزدیکتر شویم، به عمق درد و رنج های همین صاحبان زندگی مرفه آشنا می شویم، همان طوری که حوادث و بلایا زندگی انسان را به درد و رنج مبتلا می سازد، از سوی دیگر، باعث ثبات عزم و اراده و قوت رای می گردد و موجب می شود انسان هنگام رسیدن به حوادث غیرمترقبه و بلایای طبیعی متزلزل نشود و با صبر و اراده قوی قدم بردارد. در ضمن ذات مصایب و سختی ها به طور مطلق نشان عذاب الهی، زشتی کردار انسان و یا عکس العمل اخلاق و عملکرد آدمی نیست، بلکه در پاره ای موارد ریزش رحمت خداوند و هدیه الهی به بندگان برگزیده اش محسوب می شود تا درجاتی بیشتر برای خوبان به سوی قُرب محبوب بوده و در جوار رضوان الهی قرار یابند. از این رو پاکان و صالحان بلا را لطف و نعمت پروردگار و راحتی را مصیبت شمرده و همواره صبر بر سختی ها را بهتر از غفلت در رفاه می دانند؛ همان گونه که خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

«ای محمد! آن گاه که بنده ای را محبوب شمارم، وی را با سه پدیده همراه می کنم: دلش را غمگین می سازم، بدنش را بیمار می کنم و دستش را از بهره های دنیایی تهی می گردانم و آن گاه که بر بنده ای خشم بگیرم او را با سه حالت همراه می کنم: دلش را شاد می سازم، بدنش را سلامت می بخشم و دستش را از بهره های دنیا آکنده می کنم.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۴۸).



منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
۱. انصاریان، حسین، شرح دعای کمیل (چاپ چهارم)، قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸.
 ۲. باقری طاقانکی، سبزه‌علی؛ ناصری نژاد، برای تمام خانواده‌ها «شامل ۲۶۱ موضوع»، ج ۲، (چاپ چهارم)، قم: انتشارات بوستان احمدی، ۱۳۹۰.
 ۳. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۵ق.
 ۴. بهرام پور، ابوالفضل، تفسیر یک جلدی مبین، قم: آوای قرآن، ۱۳۹۰.
 ۵. ثعلبی، عبدالرحمن بن محمد، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن (تفسیر الثعلبی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
 ۶. ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان (تفسیر الثعلبی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
 ۷. جمعی از نویسندگان، معارف اسلامی (چاپ چهارم)، تهران: سمت، ۱۳۶۹.
 ۸. حنبلی، احمد، مسند احمد بن حنبل، قاهره: دارالحديث، ۱۴۱۶ق.
 ۹. حویزی، عبدعلی، تفسیر نور الثقلین، (چاپ چهارم)، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
 ۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
 ۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، (چاپ دوم)، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ش.
 ۱۲. رحمتی شهرضا، محمد، گنجینه معارف «۱۱۰ موضوع» (چاپ دوم)، قم: صبح پیروزی، ۱۳۸۵.
 ۱۳. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
 ۱۴. شعیری، تاج الدین محمد، جامع الأخبار، بیروت: مؤسسة آل البيت علیہ السلام، ۱۴۱۳ق.
 ۱۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، قاهره، مكتبة ابن تيمية، ۱۴۰۵ق.
 ۱۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
 ۱۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين (چاپ سوم)، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵.
 ۱۸. فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب یا تفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث

العربی، ۱۴۲۰ق.

۱۹. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۳۷۳ش.

۲۰. قرشی نباتی، علی اکبر، قاموس قرآن (چاپ ششم)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.

۲۱. قُرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القُرطبی)، (چاپ دوم)، قاهره:

دارالکتب المصریة، ۱۳۸۴ق.

۲۲. قمی مشهدی، محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق، قم: دار الغدیر، ۱۴۲۳ق.

۲۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، (چاپ سوم)، قم: دارالکتب، ۱۴۰۴ق.

۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، (چاپ چهارم)، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

۲۵. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العُمال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.

۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار (چاپ دوم)، بیروت: دار احیاء التراث

العربی، ۱۴۰۳ق.

۲۷. مطهری، مرتضی، عدل الهی (چاپ هشتم)، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.

۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، پنجاه درس اصول عقاید برای نوجوانان (چاپ پنجم)، قم:

مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۲.

۲۹. موسوی نسب، سید جعفر؛ ابتلاء و آزمایش انسان در قرآن، چاپ اول، ارزشمند،

۱۳۸۵ش.

۳۰. نسائی، احمد بن علی، السنن الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.

